

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

جلسه چهارم؛ اجتهاد و تقلید      فقه العروة الوثقی      استاد علیدوست

### دلیل قول به جواز احتیاط

در جلسه قبل بیان شد که عقل حکم می‌کند تا مکلف بر اساس علم به حجت عمل کند و علم به واقع و اصابة عمل به آن از جمله حجج است. از این رو عمل به احتیاط در کنار اجتهاد و تقلید، یکی از راه‌های عمل بر اساس حجت و رسیدن به واقع است و شارع متعال نهایت آنچه را که از بنده می‌خواهد تحصیل واقع است و این غرض با احتیاط قابل حصول است.

### ادله قول به عدم جواز احتیاط

ادله‌ای که ذکر خواهد شد الزاماً قسیم یکدیگر نیستند، ولی به هرکدام مستقلاً استناد شده است لذا اشکال نشود که برخی از ادله ریشه در دلیل دیگر دارد.

### ۱. اجماع

سید رضی و برادرشان سید مرتضی قائل‌اند<sup>۱</sup> در صورت امکان اجتهاد و تقلید، عمل به احتیاط جایز نیست. بسیاری از فقها مانند آیت‌الله حکیم از عبارت سید مرتضی و سید رضی استفاده کرده‌اند که ایشان ادعای اجماع کرده‌اند بر اینکه در صورت امکان اجتهاد و تقلید، عمل به احتیاط جایز نیست.

### رد دلیل

در رابطه با دلیل مذکور گفته می‌شود که بسیاری از اجماعات از نظر صغروی و کبروی مورد مناقشه هستند، مانند این مورد که اولاً از نظر صغروی قابل مناقشه است. ثانیاً از نظر کبروی نیز چون اجماع مدرکی و محتمل المدرک است اعتباری ندارد.<sup>۲</sup> ثالثاً معلوم نیست که مقصود سید مرتضی و سید رضی آن باشد که اگر کسی با عمل به احتیاط مطابق واقع عمل نمود و نمازش صحیح بود عملش مجزی نیست، بلکه چه بسا مقصود ایشان نماز شخصی می‌باشد که احکام آن را ندانسته و نماز را به غلط ادا کرده است که نماز چنین شخصی چون نه مطابق با واقع و احتیاط است و نه از روی تقلید و اجتهاد است، مجزی نمی‌باشد. از این رو صحت استفاده عدم جواز عمل به احتیاط از فرمایش این دو بزرگوار معلوم نیست.

۱. رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۳۸۳؛ «المسألة الأولى: سقوط القضاء بعد الوقت عن صلی تماماً في موضع القصر ما الوجه فيما يفتي به الطائفة من سقوط فرض القضاء عن صلی من المقصرين صلاة متم بعد خروج الوقت، إذا كان جاهلاً بالحكم في ذلك، مع علمنا بأن الجهل بأعداد الركعات لا يصح مع العلم بتفصيل أحكامها و وجوهها إذ من البعيد أن يعلم التفصيل من جهل الجملة التي هي كالأصل. و إجماع الأمة على أن من صلی صلاة لا يعلم أحكامها فهي غير مجزية، و ما لا يجزي من الصلاة الخمس يجب قضاؤه باتفاق، فكيف يجوز الفتيا بسقوط القضاء عن صلی صلاة لا تجزیه؟».

۲. ما تمام اجماعات مدرکی را رد نمی‌کنیم ولی در خصوص این مورد و مانند این چون مدرک روشن است اجماع پذیرفته نمی‌شود.

## ۲. عدم تحقق اطاعت مولا

از جمله ادله عدم جواز عمل به احتیاط آن است که در صورت احتیاط، صدق اطاعت از مولا صادق نیست، زیرا وقتی احتیاط انجام می‌گیرد معلوم نیست که مولا کدام از یک از اعمال را از ما خواسته تا گفته شود اطاعت تحقق یافته است، بنابراین برای احراز قطعی اطاعت از مولا لازم است در صورت امکان اجتهاد و تقلید، به احتیاط عمل نشود.

### رد دلیل

اگر به وجدان عرف و عقل مراجعه شود به طور قطع می‌توان دریافت که عمل به احتیاط قوی‌ترین و نزدیک‌ترین رفتار برای صدق اطاعت است، از این رو این دلیل بیش از آنکه پشتوانه عقلی، عرفی و وجدانی داشته باشد به شوخی بیشتر شبیه است.

## ۳. عدم تحقق غرض مولا

در باره این دلیل گفته می‌شود؛ وظیفه مکلف تحصیل غرض مولا در اوامر و نواهی است که به طور قطع این غرض با اجتهاد مجتهد و تقلید مقلد به دست می‌آید و این در حالی است اگر به احتیاط عمل شود معلوم نیست که غرض مولا حاصل گردد. از این رو اصل احتیاط اقتضا می‌کند برای فراغ ذمه به مجتهد بر اساس اجتهاد و مقلد بر اساس تقلید عمل نماید. در این مسأله، قاعده اصولی دوران امر بین تعیین و تخییر جاری است که فرد بین دو یا چند چیز مخیر است که اگر به فلان عمل نماید قطعاً تکلیف از او ساقط می‌شود در این حالت برای فراغ ذمه یک فرد از افراد برای شخص معین می‌شود، مانند اینکه کسی برای تقلید با چند مجتهد مواجه می‌شود و نمی‌داند که آیا در تقلید از هر یک مخیر است یا لزوماً یکی از آن افراد متعین و از قضا بین آنها مجتهد اعلم بوده و سایرین در رتبه پایین‌تری قرار دارند، در اینجا فرد مکلف به یقین می‌داند تقلید از اعلم مجزی است در حالی که چنین قطعی را نسبت به تقلید از دیگر مجتهدان ندارد.

### رد دلیل

چنانچه این دلیل پذیرفته شود لازم می‌آید به هر احتمالی ترتیب اثر داده شود و در همه جا اصل اشتغال جاری گردد چون در همه موارد شک که هر نوع آن مجرای یک قاعده اصولی است قطعاً احتمال دخل غرض مولا وجود دارد و تنها اصلی ممکن است ما را به غرض مولا نزدیک کرده یا برساند اصل اشتغال می‌باشد. لازمه این مطلب آن است که سایر اصول عملیه دیگر دارای مجرا نباشند و این لازمه به طور قطع باطل است، پس چون تالی فاسد شد، مقدم نیز که دلیل مذکور باشد به صورت مطلق قابل پذیرش نیست. مضافاً آنکه اطلاق مقامی اوامر و نواهی شارع سخنی از حصول غرض مولا ندارد بلکه بیانگر انجام مأموریه بر اساس حجت می‌باشد که یکی از حجج علم و عمل مطابق با واقع است که راه احتیاط نزدیک‌ترین راه برای رسیدن واقع است. از این رو برای وجود قید حصول غرض در اوامر و نواهی مولا دلیل وجود ندارد تا مورد توجه قرار گیرد.

## ۴. عدم تحقق جزم در امور معاملی

تمام ادله‌ای که بیان شد ناظر به امور عبادی بودند لکن برخی با بیان اینکه در صورت امکان اجتهاد و تقلید، چنانچه فردی در امور معاملی بخواهد بر اساس احتیاط عمل کند، معامله باطل است، زیرا از

جمله شروط در معامله که در مکاسب نیز بحث شده است، «جزم» بر انجام معامله است در حالی که اگر فرد مکلف بر اساس اجتهاد و تقلید رفتار نکند نمی‌تواند نسبت به انجام معامله‌ای جزم یابد، مثلاً اگر با اجتهاد یا تقلید نداند کدام صیغه عربی مجزی است و او برای رعایت احتیاط همه صیغه‌های عربی را بخواند لازم می‌آید که نتواند صیغه را به طور جزم بیان دارد. در این صورت شرط صحت معامله وجود نداشته و معامله فاسد است.<sup>۳</sup>

### رد دلیل

در رابطه با دلیل مذکور گفته می‌شود؛ مقصود از جزم، جزم به اصل معامله است مثل خرید و فروش و نکاح، اما اینکه در باره صیغه تردید داشته باشد و با امکان اجتهاد و تقلید، باز احتیاط نماید خللی به اصل جزم وارد نمی‌سازد و مکلف می‌تواند با داشتن جزم به احتیاط عمل کند.

ممکن است بیان شود، «جزم»، در اجتهاد و تقلید هم نیست از این رو معامله بر اساس اجتهاد و تقلید یا نباید صحیح و اگر صحت معامله پذیرفته شود، پس در عمل به احتیاط نیز می‌توان معامله را صحیح دانست چون در نبود شرط جزم، سه راه اجتهاد، تقلید و احتیاط با یکدیگر تفاوتی ندارند. این پاسخ صحیح نیست زیرا اولاً در اجتهاد و تقلید جزم قابل تصور و تحقق است. ثانیاً عمل بر اساس اجتهاد و تقلید، حکم جزم را دارد اگرچه فرض شود که حقیقتاً چنین شرطی در آن مفروض نیست.

### ۵. عدم تحقق قصد وجه و تمییز

چنانچه بر اساس احتیاط عمل شود، لازم می‌آید تا مکلف نتواند قصد وجه و تمییز بنماید و عبادتی که قصد وجه و تمییز ندارد باطل است.

ممکن است اشکال شود که مقصود از قصد وجه برای مجموع عمل به احتیاط است مثل نماز جمع که برای مجموع آن قصد وجه می‌شود؟! لکن مقصود از قصد وجه و تمییز مشخص بودن نوع و صنف و کیفیت همان عمل است که در احتیاط چنین چیزی مطرح نیست.

### رد دلیل

گفته می‌شود اساساً قصد وجه و تمییز دلیل ندارد تا بخواهیم بر آن ملتزم باشیم، از این رو مثلاً در روز جمعه شخص مکلف نماز جمعه و ظهر را می‌خواند تا هرکدام واجب بود متحقق شده باشد.

### ۶. عمل به احتیاط مستلزم لعب به امر مولا

درباره دلیل مذکور گفته می‌شود، اولاً اساس این دلیل بر امور عبادی که احتیاط در آنها مستلزم تکرار است می‌باشد. ثانیاً مولا یک امر بیشتر ندارد و چنانچه فردی با امکان اجتهاد و تقلید، به احتیاط رفتار نماید و یک امر را چند مرتبه تکرار این به معنای بازی گرفتن امر مولا است.

### رد دلیل

۳. ر.ک: «التنقیح فی شرح العروة الوثقی، الاجتهاد والتقلید، ص ۶۷».

اگر به وجدان مراجعه شود قطعاً عمل بر اساس احتیاط، لعب به امر مولا نیست مگر به عناوین ثانوی مانند وسواس و تمسخر و... .

## ۷. عدم تحقق امثال تفصیلی

محقق نائینی برای عمل به احتیاط دو فرض ذیل را بیان می‌دارد:

(الف) علم به امر به اصل عمل هست لکن علم به کیفیت انجام یا ترک آن‌ها نمی‌باشد، در این صورت عمل به احتیاط جایز است.

(ب) علم به اصل امر به عمل نیست؛ لکن احتمال آن است، در این فرض اگر به احتیاط عمل شود، در واقع امثال اجمالی صورت گرفته که در طول امثال تفصیلی است که با جود امثال تفصیلی نمیتوان امثال اجمالی داشت. ممکن است ریشه کلام ایشان در لعب به امر مولا باشد ولی قطعاً ناظر به دلیل عدم تحقق قصد وجه نیست بلکه ایشان در صدد بیان قاعده الامثال اجمالی فی طول الامثال التفصیلی هستند که می‌گویند اساساً با وجود امکان امثال تفصیلی، امثال اجمالی امثال نیست.

## رد دلیل

فرمایش محقق نائینی دلیلی ندارد.<sup>۴</sup>

## ۸. احتیاط، مخالف احتیاط

برخی از فضلاء حاضر در درس اشکال کرده‌اند عمل بر احتیاط با تمکن از تقلید و اجتهاد، مخالف احتیاط است زیرا شارع یک امر و نهی داشته و یک تکلیف بیان کرده است مثل وجوب نماز که شخص مسافر با تمکن از اجتهاد و تقلید، نماز را جمع بخواند قطعاً مخالف دستور شارع عمل نموده چون نماز جمع مطابق با هیچ‌یک از اوامر شارع نیست.

۴. التتقیح فی شرح العروة الوثقی؛ الاجتهاد والتقلید، ص ۷۰؛ «انا لا نشك في أن الامثال الإجمالي في طول الامثال التفصيلي أو في عرضه بل نجزم بأنهما في عرض واحد و «سره» أن الفارق بين العباداة و غيرها أن العمل العبادي لا بد أن يؤتى به مضافاً إلى المولى سبحانه بخلاف التوصلي لأن الغرض منه إنما هو ذات العمل من غير لزوم الإضافة إلى الله. و الإضافة إلى الله سبحانه قد تتحقق بالإتيان بالمأمور به على وجه التفصيل و قد يتحقق بالإتيان به على وجه الإجمال لأنه أيضاً نحو اضافة إلى الله، و من هنا لا يشترط العقلاء في العمل بالاحتياط أن لا يتمكن المكلف من العلم بالواجب و الإتيان به على وجه التفصيل و ذلك لأنهم ببابك فلو سألتهم عن أن العبد إذا أتى بالعمل رجاء لاحتتماله انه مطلوب لسبيده فهل يعد ممثلاً أو انه لم يمتثل لفرض كونه متمكناً من الإتيان به على وجه التفصيل؟ ترى انهم متفقون على أنه إطاعة و انقياد للسيد. إذا الامثال الإجمالي في عرض الامثال التفصيلي لا في طوله هذا. على أنا لو شككنا في ذلك فالمرجع هو البراءة دون الاشتغال، إذ لا شك لنا في مفهوم العباداة، و إنما الشك في واقعها و ما يتصف به العمل بالعبادة فمرجع الشك حينئذ إلى أن الشارع هل اعتبر في متعلق الأمر التحرك عن تحريكه مع التمکن من العلم بالواجب أو أنه اعتبر الأعم من التحرك عن تحريكه و التحرك عن احتمال الأمر و التحريك فالجامع بين الاحتمالين و هو لزوم الإتيان بالعمل بقصد الامثال معلوم و اعتبار كونه على وجه التفصيل اعنى اعتبار كون التحرك مستنداً إلى تحريك المولى مشكوك فيه و معه يرجع إلى البراءة عن اعتبار ما يشك فيه بناء على ما هو الصحيح عندنا من جريان البراءة في موارد دوران الأمر بين التعيين و التخيير».

## رد دليل

پاسخ دليل مذکور در ذیل ادله ۵، ۳، ۲، ۶ و ۷ بیان شده است.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين